

Explaining the Effect of Popular Beliefs in Sustainable Rural Development

Sahar Ghaffari



PhD student in sociology, North Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mehrdad Navabakhsh *



Professor of Sociology Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Faizollah Noroozi



Assistant Professor of Sociology North Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

1. Introduction

Popular beliefs, as one of the basic categories of the folklore of nations, on one hand, can accelerate the process of sustainable development in its social, economic and environmental dimensions, and on the other hand, it can prevent the development process. Due to their intuitive nature, this group of opinions has always been disputed and has brought some positive and negative directions.

Research Question

1. Can popular beliefs be considered as one of the most important factors affecting sustainable rural development?

2. Literature Review

2-1. Internal studies

2-1-1. Fely and Collaborators In "*Challenges of Iran's rural communities to achieve sustainable development*"; Rural development in the 20th century is considered to be faced with many issues and challenges, which, in addition to environmental problems, arouses attention to a type of development called "sustainable rural development" (fely1389).

2-1-2. Sefidgar in "*Cultural Development in Folk Beliefs of the People of Azerbaijan*"; He considers folk beliefs as a double-edged sword that can speed up the development process in all its aspects on the one hand, and on the other hand can

* Corresponding Author: mehrdad_navabakhsh@yahoo.com

How to Cite: Ghaffari, S; Navabakhsh, M; Nouroozi, F. (2023). Explaining the effect of popular beliefs on sustainable rural development, *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 15(59), 351-396.

act as a brake and stop the development process. In this article, the folk beliefs of the people of Azerbaijan have been investigated in different fields and by giving examples, they have been divided into two groups of generative or developmental beliefs and inhibiting or anti-developmental beliefs (sefidgar, 1386).

2-2. Foreign studies

2-2-1. *Ronald Inglehart* also acknowledges that in agricultural and rural societies, the subsistence of a large part of the people was through agriculture and mainly dependent on things of heavenly origin, such as the sun and rain; But in industrialized societies, production was increasingly pushed into the human-made environment (Inglehart, 1373).

2-2-2. *Rogers* is one of the sociologists in favor of development and modernization in rural communities. By doing some experimental research on fatalism in the peasant society, he believes that the peasants consider fate as the absolute power in determining their misfortunes and successes (Rogers, 1388).

3. Methodology

In order to "explain the effect of popular beliefs on sustainable rural development" in the current research, a qualitative approach has been used. The method of gathering information, in this research, documents and also a technique that according to the purposes and nature of the data used in this study; the content analysis technique. The unit of analysis in this research, the documentary films are about the villages of *South Khorasan* province. The registration unit is also the effect and the counting unit is the sequence.

This research seeks to investigate the sustainable development in the rural communities of Iran, but due to the fact that studying the villages of all the provinces of the country is time-consuming and also more importantly, it may reduce the accuracy of the survey, the villages of South Khorasan province have been selected as the statistical community of this research.

4. Conclusion

The findings indicate that the people of the villages of South Khorasan province, despite the problems of this region, not only did not abandon their land, but by using local knowledge and what is considered as popular beliefs, in order to protect the resources, economic growth and material well-being of the residents, they have used all their efforts to feel satisfied, provide for the needs and self-sufficiency, and this has led to the improvement of the living conditions of the people in the rural areas of this province and as a result, the population has increased.

Considering that the main issue in this research is sustainable development, the participation and cooperation of the villagers in various social, economic and environmental aspects; it has both vitality and increasing alignment with sustainable development; While the modernization development model causes the destruction and exploitation of more resources and also pollutes the cities; Because popular beliefs provide the interests of the future and the correct use of resources as the goal of sustainable development.

In general, it can be said that; The division of societies in *Durkheim's* theory into mechanical and organic correlation shows the movement of societies and not necessarily the backwardness of primitive societies in the sense of an obstacle in the direction of reaching any type of development; As the approaches of the modernization version from the social point of view, such as; *Hoziltz*, put forward.

Keywords: Development, Sustainable Development, Village, Durkheim's Social Division of Labor





تبیین تأثیر باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی

دانشجو دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سحر غفاری

استاد جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مهرداد نوابخش *

استادیار جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فیض‌الله نوروزی

چکیده

باورهای عامه، از یک‌طرف می‌تواند فرایند توسعه پایدار را تسریع از طرف دیگر قادر است جلوی آن را بگیرد. با این اوصاف به نظر می‌رسد باید به این پرسش پاسخ داد: "آیا باورهای عامه به توسعه پایدار روستایی کمک می‌کند یا برعکس می‌تواند به عنوان یک مانع تلقی شود؟" در پژوهش حاضر به منظور تبیین تأثیر باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی، وضعیت اقتصادی، اشتغال و محصولات کشاورزی سی روستای استان خراسان جنوبی با بهره‌مندی از نظریه تقسیم کار اجتماعی دورکیم - با نگاهی متفاوت در تقابل با اصول مکتب نوسازی در بیان موانع توسعه، مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد این تحقیق کیفی، روش گردآوری اطلاعات در آن، اسنادی و «همچنین تکنیک مورد استفاده، تحلیل محتوا، می‌باشد. مطالعات انجام‌شده در روستاهای این استان نشان می‌دهد باورهای عامه موجب توسعه پایدار روستایی می‌شود. در نتیجه تقسیم‌بندی جوامع در تئوری دورکیم، حاکی از سیر حرکت جوامع است و نه لزوماً عقب‌ماندگی جوامع ابتدایی به معنای مانعی در جهت رسیدن به هر نوع توسعه.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، روستا، تقسیم کار اجتماعی دورکیم، باورهای عامه

مقدمه و بیان مسئله

باورهای عامه به عنوان یکی از مقولات اساسی فولکلور ملت‌ها، از یک‌طرف می‌تواند فرایند توسعه پایدار در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی خود را تسریع نماید و از طرف دیگر قادر است جلوی روند توسعه را بگیرد. این دسته از عقاید بنا بر ماهیت شهودی که دارند، همواره مورد مناقشه بوده و جهت‌گیری‌های بعضاً موافق و مخالفی را به همراه داشته است.

تعدادی از باورها جنبه محلی و قومی دارند و در حیطه یک جغرافیای خاص شناخته می‌شود و برخی دیگر از این نوع اعتقادات جنبه بین‌المللی دارند، برای مثال نحس بودن عدد ۱۳ که تقریباً در اکثر فرهنگ‌ها و ملل رایج بوده و در بین مردم اشاعه پیدا کرده است. باورهای عامه ممکن است گاه خرافه باشد و گاه دانش بومی و سنتی مردم یک منطقه، بستگی به نوع بینش دارد (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۰).

همان‌طور که دیوید هیوم معتقد است؛ تمایل به خرافات را هرگز نمی‌توان از بین برد، چون نکته متناقض اینجاست که خرافات بخش جدایی‌ناپذیر آن دسته از سازوکارهای انسان است که بدون آنها آدمی قادر به ادامه حیات نیست. به نظر می‌رسد این باورهای خرافی در ادبیات کهن ما ریشه‌دار است؛

صادق هدایت، اولین ایرانی بود که از روی اصول دقیق علمی سلسله مطالبی را درباره فولکلور یا فرهنگ عامیانه به رشته تحریر درآورده و در سال ۱۳۱۲ "نیرنگستان" را که مجموعه‌ای از آداب و رسوم و باورهای عامیانه ایرانیان بود منتشر و در آن به "ساعات سعد و نحس" نیز اشاره کرد؛ که البته این سعد و نحس بودن خود می‌تواند به نوعی گویای زمینه خرافی برخی از باورهای عموم مردم آن دوره، باشد.^۱

هانری ماسه نیز در کتاب "آداب و عقاید ایرانیان"، به نقل و بیان نمونه‌هایی می‌پردازد که می‌تواند منعکس‌کننده باورهایی با زمینه خرافات باشد؛

۱. ناخوانا بودن انتشارات و سال چاپ کتاب یادشده.

«... برای دفع عواقب اتفاقی اگر کسی درباره موضوع شومی صحبت کند (مرگ، بیماری، حیوانات مضر) برای دفع شر، بلافاصله این عبارت را می‌افزاید: ساعت بد است یا زمان منحوس است» (ماسه، ۱۳۵۷: ۱۰۱).

با این توصیفات، کارکرد گرایانی چون ردکلیف براون و مالدینوفسکی بر این باورند که؛ باورداشت‌ها و رسوم اقوام، بقایای گذشته دور نیستند، بلکه جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ‌های زنده و شکوفای معاصر به شمار می‌آیند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۵۶). گذشته از خرافانی بودن باورها در فرهنگ عامه، ما شاهد نوعی تلقی بدوی بودن ابزار کشاورزی در فرهنگ روستایی نیز هستیم، به عنوان مانعی در مقابل توسعه پایدار این فرهنگ.

کتاب مالک و زارع لمبتون از معدود کتاب‌های تاریخ کشاورزی ایران است. وی کسی است که معتقد به منتها درجه ابتدایی و بدوی بودن روش‌های کشاورزی در ایران است. ملاک لمبتون در این کتاب بیشتر از هر چیزی ابزار کار است. البته وی از کشاورزی ایرانی گاه با لحن ستایش نیز سخن می‌گوید اما دید کلی کتاب موارد ستایش‌آمیز را از نظر رد می‌کند.

«روش‌های زراعتی ایران به منتها درجه ابتدایی است» (لمبتون، ۱۳۴۵: ۶۲۳).

«مقدار زمینی که یک زارع می‌تواند زراعت کند، به واسطه به کار بستن

روش‌های بدوی زراعتی محدود است» (همان: ۶۳۷).

"در بسیاری نقاط، عمل شخم زدن به وسیله خیش‌های چوبی صورت

می‌گیرد که به گاو می‌بندند، خیش تنها زمین را خراش می‌دهد و شیار را زیر و رو

نمی‌کند» (همان).

با توجه به نظرات لمبتون ممکن است فرض عدم توسعه‌یافتگی روستاها با وجود ابزار کشاورزی بدوی، در ذهن قطعیت پیدا کند اما در مقابل، فرهادی واقعیت را به گونه‌ای دیگر توصیف می‌کند.

«گاه در برخی خاک‌های خاص شخم باید صرفاً خراش دادنی باشد

...» (فرهادی، ۱۳۸۰: ۲۴۰).

«بی‌شک مالکان و دهقانان ایرانی نیازی به تغییر خیش‌هایشان که برخلاف تصور، تنوع آنها بسیار هم هست، نداشته است، وگرنه امکان شخم عمیق، چه از نظر آلات شخم و چه از نظر نیروی گاو کار موجود بوده است» (همان).

به نظر می‌رسد این تفاوت نظر فقط مختص کشور ما نیست؛

«تحول همه‌جانبه جوامع غربی که با انقلاب صنعتی و تغییرات اقتصادی همراه بوده نخست کشاورزی سنتی اروپایی را به سمت نوعی کشاورزی نوین یا صنعتی سوق داد که مهم‌ترین جنبه تکنولوژیکی آن استفاده از کار ماشینی و انرژی‌های فسیلی به جای انرژی انسان و حیوانی و آب و باد است» (همان: ۲۵۲).

این در حالی است که در سال ۲۰۰۹، شورای لیسبون بیانیه‌ای را منتشر کرد که جهان را وارد دوره جدیدی نمود. در این بیانیه اعلام شد که ارزش اقتصادی جدید با ترکیب زمین، نیروی کار و سرمایه به دست نمی‌آید بلکه مهارت و نبوغ و ترکیب آن با عوامل تولید سنتی می‌تواند محصولات و خدمات جدید با ارزش بالاتر ایجاد نماید (Herman, 2012).

بر مبنای بیانیه لیسبون، شورای اروپا با هدف ساخت اتحادیه اروپا مبتنی بر اقتصاد دانش‌محور، رقابتی و پویا که در مراکز آن سرمایه انسانی قرار دارد، به توسعه جامعه می‌پرداخت (tudor, 2012). به این ترتیب می‌توان قطعیت وجود خرافات در باورهای عامه مردم روستا که مانع توسعه‌یافتگی آن مناطق به حساب می‌آید، را با تغییر نگرش و فرضیه به عنوان تنها راه توسعه پایدار در آنجا نیز در نظر گرفت؛

روستاییان به علت موقعیت جغرافیایی خود، در مناطق روستایی با طبیعت پیوند نزدیکی دارند، آن‌ها دائماً مجبور به تمکین در برابر عناصر طبیعی، مثل باران، گرما، یخبندان، برف و خشکسالی هستند. عوامل فوق برای کشاورزی عناصر حیاتی به حساب می‌آید. بنابراین ممکن است ساکنان روستاها، عقاید، باورها و الگوهای فکری و فلسفه زندگی، در مورد طبیعت پیدا کنند که با ساکنان شهرها که از طبیعت بسیار دورند متفاوت باشد (چیتامبار، ۱۳۷۳: ۱۰۶).

می‌توان این‌گونه بیان داشت که در جامعه روستایی پدیده‌های مانند: بی‌نظمی‌های آب و هوایی، خشکسالی و بسیار دیده می‌شود که در بافت فکری و اجتماعی مردم روستا، مؤثر است. گذشته از آن، با تحول باورها، فرهنگ نیز گرایش و سمت‌وسوی دیگری به خود می‌گیرد؛ چه‌بسا با دگرگون شدن باورها طی زمان‌ها و دوره‌ها، شکل‌های تحریف شده‌ای از آن‌ها باقی‌مانده باشد؛ که می‌تواند فرهنگ را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده و دچار تغییر، در جهت پیش برد توسعه‌یافتگی و یا بالعکس، کند. با این اوصاف به نظر می‌رسد باید به این پرسش پاسخ داد؛ آیا باورهای عامه به توسعه پایدار روستایی کمک می‌کند یا برعکس می‌تواند به عنوان یک مانع تلقی شود؟

سؤالات تحقیق

۱. آیا باورهای عامه را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه پایدار روستایی تلقی کرد؟
۲. باورهای عامه چگونه با هم تعامل پیدا می‌کنند تا به توسعه پایدار روستایی می‌رسند؟
۳. نوع تأثیرگذاری باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی چیست؟

اهداف تحقیق

- به‌طور کلی هدف هر پژوهش طبیعتاً شناخت و بررسی مسئله مطرح‌شده و در نهایت ارائه راه‌حلی برای مقابله و جلوگیری از وقوع و ایجاد پدیده‌های نابهنجار اجتماعی است. اهداف این پژوهش نیز به منظور روشن کردن موضوع به ترتیب ذیل می‌باشد:
۱. شناخت باورهای عامه به عنوان عاملی مؤثر بر توسعه پایدار روستایی.
 ۲. تبیین تأثیر باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی.

۳. تبیین نوع تأثیرگذاری باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی؛ به این معنا که آیا این باورها به توسعه پایدار روستایی کمک می‌کند یا بالعکس، مانعی برای رسیدن به آن تلقی می‌شود.

۱. مرور پیشینه‌ها

اهمیت باورهای عامه به عنوان زیرمجموعه فولکلور در فرهنگ روستایی قابل‌انکار نیست، اما مسئله قابل‌بحث وقتی شکل می‌گیرد که این مهم در کنار توسعه پایدار روستایی قرار داده شود.

مطالعاتی نظری و تجربی انجام شده است در زمینه خرافات، موهومات و به صورت کلی باورهای عامه و ارتباطی که می‌تواند با توسعه‌یافتگی داشته باشد؛ که به مواردی از آنها از باب نزدیکی محتوایی و موضوعی به پژوهش حاضر، در ذیل اشاره شده است. مرور و بررسی این مطالعات می‌تواند در آگاهی یافتن از جریان پیشروی مسئله موردنظر سودمند باشد.

مطالعات داخلی:

فعلی و همکاران در «چالش‌های جوامع روستایی ایران برای دستیابی به توسعه پایدار» توسعه روستایی در قرن بیستم را با مسائل و چالش‌های فراوان روبه‌رو می‌دانند که در کنار مشکلات زیست - محیطی، توجه به نوعی توسعه به نام «توسعه پایدار روستایی» را برمی‌انگیزد.

نتایج این تحقیق پس از بررسی چالش‌ها و مشکلات جوامع روستایی ایران برای دستیابی به توسعه پایدار؛ از وجود مشکلاتی عمده از جمله: فقدان ساختاری مناسب برای مدیریت توسعه روستایی، عدم توجه به دانش بومی، عدم توجه به مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی، عدم ارتقای بهره‌وری از منابع پایه‌ای تولید، ضعف در خدمات ترویج

کشاورزی، ضعف در گردشگری روستایی، و عدم گسترش بخش‌های نوین اقتصادی؛ خبر می‌دهد (فعلی، ۱۳۸۹).

به این ترتیب دانش‌های بومی در این پژوهش نه تنها به عنوان مانعی در جهت رسیدن به توسعه پایدار تلقی نمی‌شود بلکه در رسیدن به آن می‌تواند تأثیرگذار باشد.

سفیدگر در «توسعه فرهنگی در باورهای عامیانه مردم آذربایجان»؛

باورهای عامیانه را به مثابه شمشیری دو دم می‌داند که از یک طرف می‌تواند

پروسه توسعه را در همه وجوه خود تسریع نماید و از طرف دیگر قادر است

مانند ترمزی عمل نموده و جلوی روند توسعه را بگیرد. در این مقاله

باورهای عامیانه مردم آذربایجان، در زمینه‌های مختلف بررسی شده و با

آوردن نمونه‌هایی، به دو گروه باورهای زاینده یا توسعه‌پذیر و باورهای

بازدارنده یا ضد توسعه تقسیم شده‌اند.

وی چنین نتیجه‌گیری کرد که؛ سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مردان سیاست،

اقتصاد و فرهنگ در آذربایجان، در بسیاری از موارد بدون شناخت زمینه فرهنگی جامعه

صورت می‌گیرد. با این توضیح که؛ شناخت باورها و آداب و سنن جامعه‌ای در حال گذار،

بدون شک می‌تواند ما را در رسیدن به توسعه فرهنگی کمک کند، به این ترتیب که اگر

فرهنگ عامه در مقابل توسعه از خود مقاومت نشان دهد، هیچ توسعه‌ای تحقق پیدا نخواهد

کرد، ولی هرگاه فرهنگ مردم با عناصر توسعه‌ای همسو گردد به تدریج آن عده از باورها

و سنت‌ها را نیز که در مقابل فرایند توسعه ایستادگی می‌کنند طرد و از بین خواهد برد

(سفیدگر، ۱۳۸۶).

به عقیده سفیدگر، در کنار همه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان در

سطوح مختلف شهری، استانی، منطقه‌ای و کشوری باید ذهنیت فرهنگی عموم مردم، به

ویژه باورهای عامیانه آنها شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

مسعودی و کتابی نیز در پژوهش خود با عنوان «تقابل عقلانیت و

خرافه گرایی در مسیر توسعه یافتگی - با تأکید بر ایران دوره قاجار-؛ یکی

از علل توسعه‌نیافتگی ایران در دوره قاجار را تقابل عقلانیت و خرافه‌گرایی در جامعه دانسته‌اند. درواقع، خرافه‌چنان در حیات سیاسی و اجتماعی ایران ریشه دوانده بود که هم فرهنگ جمعی و هم تصمیمات سیاسی ایران در آن دوران از آن متأثر شده بود تا آنجا که در دوران شاهان قاجار، به ویژه ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه به جای کاربست خرد، اندیشه و علم، برای حل مشکلات دست به دامان انواع خرافات می‌شدند.

این مقاله به بررسی تأثیر خرافه‌گرایی به مثابه پدیده‌ای عقل‌ستیز بر توسعه‌نیافتگی ایران در مقطع زمانی مزبور پرداخته و با روش‌شناسی کیفی و به روش تحلیلی-توصیفی و از مسیر جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که «فرهنگ خرافه‌گرا چگونه موجب توسعه‌نیافتگی ایران دوره قاجار شده است؟».

از پژوهش مذکور این گونه نتیجه‌گیری شد که؛ فرهنگ خرافه‌گرا از رهگذر تقابل در عین همزیستی با «عقلانیت» در دوره قاجاریه به استبداد فکری و به تبع آن نیز استبداد سیاسی انجامید و وضعیت گفتمانی حاصل از این تقابل فکری و عملی منجر به بازتولید چرخه‌ای شد که در یک‌سوی آن فرهنگ خرافه‌گرا و در سوی دیگر آن استبداد سیاسی قرار داشت، به گونه‌ای که هر یک، دیگری را در این چرخه تولید، بازتولید و تقویت می‌کرد و بدین ترتیب موجب توسعه‌نیافتگی ایران در عهد قاجار شد (مسعودی، ۱۳۹۸).

ربيعی در پژوهشی تحت عنوان «توسعه اجتماعی - اقتصادی و تأثیر آن بر تلقی افراد از چیستی خرافات مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان»؛ هدف اصلی خود را، مطالعه تأثیر توسعه اجتماعی - اقتصادی بر تغییر تلقی افراد از چیستی خرافات تعریف کرد.

جامعه آماری بررسی وی را کلیه شهروندان ۱۵ سال به بالای استان اصفهان و حجم نمونه آن را ۶۱۹۲ نفر تشکیل داده‌اند. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و بر اساس سه متغیر سن، جنس و منطقه مسکونی در

۲۵ شهرستان و منطقه شهری استان اصفهان انتخاب شدند. پرسشنامه و سؤالات باز از طریق مصاحبه‌های چهره به چهره تکمیل شدند.

نتایج نشان داد که برای سطوح مختلف توسعه، تفاوت‌هایی جدی در تلقی افراد از چیستی خرافات وجود دارد و وجه تمایز اصلی آنها در نسبت‌های به‌دست‌آمده اعتقادات مذهبی بود. ساکنان شهرستان‌های دارای سطح توسعه اجتماعی _ اقتصادی بالاتر بیشتر از سایر شهرستان‌ها باورهای مذهبی و مناسک مذهبی شهرستان محل سکونت خود را مورد بازاندیشی و نقد قرار می‌دهند (ربیعی، ۱۳۹۴).

مطالعات خارجی:

رونالد اینگلهارت^۱ نیز اذعان می‌کند که در جوامع کشاورزی و روستایی، گذران زندگی بخش وسیعی از مردم، از طریق کشاورزی و عمدتاً وابسته به چیزهایی بود که منشأ آسمانی داشت، مانند خورشید و باران. شخص برای آب و هوای خوب، رهایی از بیماری یا آسیب حشرات دعا می‌کرد.

ولی در جوامع صنعتی، به‌طور روزافزون، تولید به داخل محیطی که توسط انسان ساخته شده بود کشانده شد. شخص در انتظار ابرهای باران‌زا و طلوع خورشید یا تغییر فصل نبود. برای داشتن محصول خوب دعا نمی‌کرد، بلکه به ماشین‌هایی وابسته بود که به وسیله انسان طراحی شده بود. با کشف میکروپ و آنتی‌بیوتیک‌ها، حتی بیماری‌ها، دیگر معجزات الهی، به حساب نمی‌آمدند و آنها در کنترل انسان بودند (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

راجرز^۲ از جامعه‌شناسان طرفدار توسعه و نوسازی در جوامع روستایی می‌باشد. وی با انجام پاره‌ای از تحقیقات تجربی در مورد تقدیرگرایی در جامعه دهقانی بر این باور است که دهقانان، سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت‌های خود می‌دانند.

1. Ronald Inglehart

2. Rogers

از آنجایی که دهقانان معتقدند که ستیز با طبیعت به منظور بالا بردن سطح زندگی دشوار است، از این رو دهقان هر موقع که خود و همسایه‌اش در زندگی موفقیتی به دست آورد، این امر را ناشی از مداخله قوای مابعدالطبیعه می‌داند. وی معتقد است، دهقانان در مورد کنترل حوادث آتی، دارای وجهه نظرهایی نظیر بیارادگی، بدگمانی، تسلیم، بردباری، نرمش و گریز می‌باشند و در آخر نتیجه‌گیری می‌کند، چنین باورهایی در بین روستاییان باعث گرایش آنان به خرافات می‌گردد (راجرز، ۱۳۸۸).

مالینوفسکی^۱ نیز معتقد است؛ «در جوامعی که توان، ابزار کنترل و تسلط بر محیط زیست ضعیف است؛ سیطره جادو قوی است.» (دورانت: ۴۱۶-۴۱۷؛ ۱۳۵۰)

داگلاس^۲ همچنین در کتابش از مسئله مناسک گرایی و ارتباط آن با شرایط اجتماعی صحبت می‌کند. منظور از مناسک گرایی گرایش به اجرای دقیق مناسک با اشکال معین و تعریف شده است به قسمی که اهمیت اصلی یک مناسک در اجرای دقیق آن فرض شود. نکته اینجاست که به نظر داگلاس مناسک گرایی در مذهب همبسته با شرایط و موقعیت اجتماعی خاصی است؛

«وقتی یک گروه اجتماعی اعضایش را محکم در قیودات اجتماعی می‌گیرد، مذهب مناسک گرا است، و وقتی این قیودات سست می‌شوند مناسک گرایی زوال می‌یابد» (Douglas, 1970: 13-14).

چارچوب نظری

در چارچوب نظری پژوهش حاضر به منظور تبیین تأثیر باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی، از نظریه تقسیم کار اجتماعی دورکیم - با نگاهی متفاوت و در تقابل با اصول کلی مکتب نوسازی در بیان موانع توسعه - بهره‌مند می‌شویم. دورکیم، دو شکل همبستگی

1. Malinowski

2. Douglas

را از هم تفکیک می‌کند: همبستگی موسوم به خودبه‌خودی یا مکانیکی، و همبستگی موسوم به اندامی یا ارگانیکی (آرون، ۱۳۸۷: ۳۶۱).

همبستگی مکانیکی، به اصطلاح خود دورکیم، همبستگی از راه همانندی است. هنگامی که این شکل از همبستگی بر جامعه مسلط باشد افراد جامعه چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند. آنان که اعضای یک اجتماع واحد هستند به هم همانند و احساسات واحدی دارند؛ زیرا به ارزش‌های واحدی وابسته‌اند و مفهوم مشترکی از تقدس دارند. در جوامع بدوی، هر کس همان است که دیگران هستند؛ احساسات مشترک، یا احساسات جمعی، از لحاظ تعداد و درجه شدت عامل عاطفی مسلط در وجدان هر یک از افراد جامعه‌اند (همان: ۳۶۲).

درحالی که در همبستگی موسوم به اندامی یا ارگانیکی، افراد دیگر همانند نیستند، بلکه متفاوت‌اند و لزوم استقرار اجماع اجتماعی تا حدی نتیجه وجود همین تمایزهاست (همان). به این ترتیب، دورکیم معتقد است؛ اساساً ما دو نوع جامعه می‌توانیم داشته باشیم: جامعه سنتی: تشکیل شده از مجموعه‌ای از واحدها همچون: اقوام، روستاها، طایفه‌ها و ...، این واحدها خیلی به هم شبیه هستند؛ از نظر شیوه اندیشیدن، زندگی کردن و عقاید. همچنین در هر کدام از آنها تقسیم کار شبیه به هم وجود داشته و نوعی اخلاق که ناشی از وجدان جمعی می‌باشد.

جامعه مدرن: دورکیم معتقد بود علت حرکت جوامع به سمت همبستگی ارگانیکی، افزایش جمعیت بوده است. در این حالت جامعه مانند ارگانیسم طبیعی یا باید خود را تطبیق دهد و یا از بین برود.

در نهایت شاهد تغییر انسجام اجتماعی خواهیم بود که در آن، تقسیم کار از حالت خودکفا خارج شده و تخصصی می‌شود. به عبارتی جدایی هر قسمت به معنای متزلزل شدن کار در بخش‌های دیگر می‌باشد. از نظر نوع تأکید بر موانع توسعه، مکتب نوسازی به سه دسته؛ اقتصادی، جامعه‌شناختی و روانشناسی-اجتماعی، تقسیم می‌شود.

با این توصیفات، کلیه نظریه‌پردازان این مکتب نیز با تأثیرپذیری از اندیشه‌های دورکیم و تکامل‌گرایان کلاسیک دیگر، موانع توسعه را درونی دانسته و سه مشخصه فرهنگی عمده برای جوامع در حال توسعه لحاظ کرده‌اند:

۱. تسلط سنت‌گرایی: به خودی خود سنت ارزش مسلطی دارد مردم آنها را پرستیده و دائماً چشم به گذشته داشته و توان تغییر و تحول را ندارند.

۲. تسلط روابط خویشاوندی: که روابط خویشاوندی بر همه سطوح جامعه مسلط است. پایگاه‌ها همه محول هستند.

۳. مردم در جامعه سنتی؛ قدرگرا، احساساتی و خرافی هستند.

با همه این توصیفات، به عقیده دورکیم، امکان دارد که در برخی از جوامع برخوردار از شکل‌های بسیار پیشرفته تقسیم اقتصادی کار، نوعی ساخت قطاعی یا تیره‌ای نیز تا حدی باقی بماند.

«کاملاً امکان دارد که نوعی تقسیم کار، خصوصاً تقسیم کار اقتصادی، در یک جامعه بسیار پیشرفته باشد و حال آنکه سازمان قطاعی هنوز به شدت ابراز وجود کند. به نظر می‌رسد که مورد انگلستان کاملاً چنین باشد. صنعت بزرگ و تجارت در مقیاس وسیع در انگلستان همان قدر توسعه یافته‌اند که در قاره اروپا، با این همه به دلیل وجود خودمختاری‌های محلی و اقتدار سنت، دستگاه قطاعی لانه زنبور مانند هنوز در انگلیس به نحو بارزی پابرجاست.

دلیلش این است که در واقع تقسیم کار، که نمودی مشتق و ثانوی است، چنانکه دیدیم، در سطح زندگی اجتماعی جریان دارد (و نه در عمق آن)؛ و این خصوصاً در مورد تقسیم کار اقتصادی صادق است. این تقسیم کار سطحی است. آری، هر چیز سطحی، در هر اندامی که باشد، به علت موقعیت سطحی‌اش نسبت به تأثیر علل خارجی حساس‌تر است، و حال آنکه

علل داخلی که وی بدان وابسته است هنوز تغییر نیافته‌اند» (آرون، ۱۳۸۷: ۳۶۳ و ۳۶۴).

گذشته از آن؛ دورکیم در تقسیم کار اجتماعی از تقلیل فرد تا حد ماشین نیز صحبت می‌کند که به‌نوعی تهدیدکننده اخلاق می‌تواند باشد.

«... او هر روز همان حرکات معین را با نظم یکنواخت انجام می‌دهد بدون آنکه به آنها علاقه‌ای داشته باشد یا معنای آنها را دریابد. این دیگر سلول زنده یک پیکر نیست که در تماس با سلول‌های مجاور به حرکت درمی‌آید ... اگر هدف اخلاق جامعه باشد باز هم نمی‌توان چنین چیزی را مجاز شمرد زیرا که تباهی فرد تنها تهدیدکننده نقش‌های اقتصادی نیست بلکه همه نقش‌های اجتماعی را، در هر مرتبه‌ای، تهدید می‌کند.» (دورکیم: ۳۲۸).

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی:

باورهای عامه موجب توسعه پایدار روستایی می‌شود.

فرضیات فرعی:

۱. روابط خویشاوندی موجب توسعه پایدار روستایی می‌شود.
۲. نظارت اجتماعی موجب توسعه پایدار روستایی می‌شود.
۳. مناسک گرایي موجب توسعه پایدار روستایی می‌شود.
۴. باورهای عامه موجب توسعه اقتصادی می‌شود.
۵. باورهای عامه موجب توسعه اجتماعی می‌شود.
۶. باورهای عامه موجب توسعه زیست‌محیطی می‌شود.

مدل نظری

با توجه به نظریه تقسیم کار اجتماعی دورکیم، در این قسمت به ترسیم مدل نظری مطالعه پرداخته می‌شود.

مدل شماره (۱)



در این پژوهش از نظریه تقسیم کار اجتماعی دورکیم بهره می‌بریم، به منظور تبیین تأثیر باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی؛ که آیا باورهای عامه در جوامع روستایی - جوامع مکانیکی بر اساس نظریه دورکیم - بر توسعه روستایی به صورت مثبت عمل کرده و به پایداری آن کمک می‌کنند یا مطابق آنچه مکتب نوسازی و نظریه پردازانی چون؛ لرنر، راجرز، والت ویتمن روستو، اسملسر و دیگر اندیشمندان این حوزه معتقدند، مانعی بر سر راه آن بوده و امکان پایداری توسعه را سلب می‌کنند.

بر اساس نظریه دورکیم؛ در جوامع مکانیکی شاهد همبستگی اجتماعی بالا می‌باشیم که در جوامع روستایی می‌توان این انسجام را در قالب روابط خویشاوندی مورد بررسی قرار داد. وجدان جمعی یا به اصطلاح حقوق تنبیهی، در نظریه دورکیم سطح بالای نظارت اجتماعی را بیان می‌دارد. به این معنا که جرم چیزی نیست جز کرداری که وجدان جمعی آن را ممنوع می‌داند. وجدان جمعی و مناسک گرایي - آداب و رسوم - که مکتب نوسازی به عنوان مانع توسعه به آن اشاره دارد، به عقیده دورکیم عامل همبستگی بیشتر اجتماع قلمداد می‌شود.

«افراد در غلیان ناشی از اعیاد و جشن‌های اجتماعی، نسبت به هم

نزدیک‌تر شده، نوعی همدلی با هم پیدا می‌کنند» (آرون، ۱۳۸۷: ۴۰۱).

به این ترتیب با توجه به نظریه دورکیم، شاخص‌های توسعه پایدار؛ بررسی می‌شود؛

به اعتقاد دورکیم در جوامع ابتدایی نیز ما می‌توانیم شاهد توسعه اقتصادی باشیم.

«بدین‌سان کافی است که اوضاع خاصی نیاز به رفاه مادی را در نزد

ملتی برانگیزد تا تقسیم کار اقتصادی در نزد آن ملت توسعه یابد بی آنکه

ساخت اجتماعی به نحو محسوسی تغییر کند» (همان: ۳۶۳).

و همچنین در مورد توسعه اجتماعی و احساس رضایتمندی افراد جامعه، نیز دورکیم

معتقد است چه الزامی وجود دارد مبنی بر این که احساس رضایتمندی اجتماعی در جوامع

ابتدایی و مکانیکی، کمتر از جوامع ارگانیکی یا پیشرفته باشد.

«می‌توان گفت که روی آوردن به تخصص بیشتر برای به دست آوردن لذت‌های تازه نیست ... خلاصه این که نمی‌توان پذیرفت که پیشرفت فقط حاصل حس ملال باشد» (دورکیم: ۲۲۵-۲۲۳).

«دورکیم تبیینی را که آگوست کنت هم در نظر گرفته و کنار گذاشته بود، تبیینی که عامل اساسی توسعه اجتماعی را ملال خاطر، یا جستجوی خوشبختی می‌داند، کنار می‌گذارد. زیرا دورکیم می‌گوید هیچ چیز دلیل بر این نیست که آدمیان در جوامع جدید خوشبخت‌تر از افراد جوامع دیرین باشند. تقسیم کار را نه می‌توان بر اساس ملال خاطر تبیین کرد، نه بر اساس جستجوی خوشبختی، نه بر اساس افزایش خوشی‌ها، و نه بر پایه تمایل (افراد) به افزودن بر بازده کار جمعی» (آرون، ۱۳۸۷: ۳۷۱).

این در حالی است که مکتب‌نوسازی دقیقاً هر کدام از شاخص‌های باورهای عامه از قبیل: سنت، تقدیرگرایی و روابط خویشاوندی که در اینجا بر اساس نظریه دورکیم آورده شده است، را مانع برای رسیدن به توسعه پایدار تلقی می‌کنند.

روش‌شناسی

به منظور «تبیین تأثیر باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی» در پژوهش حاضر، از رویکرد کیفی استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات نیز، در این تحقیق، اسنادی و همچنین تکنیکی که با توجه به اهداف و ماهیت داده‌های این بررسی، مورد استفاده قرار گرفته است؛ تکنیک تحلیل^۱ محتوا، می‌باشد.

واحد تحلیل در این پژوهش، فیلم‌های مستند روستاهای استان خراسان جنوبی می‌باشد. واحد ثبت نیز مضمون و واحد شمارش در بررسی‌های اولیه و آزمایشی پلان^۲،

۱. به دلیل جلوگیری از واکنش افراد مورد مطالعه از این تکنیک استفاده شده است.

2. Plan, Shot

از زمانی که دوربین برای ضبط به کار می‌افتد تا زمانی که متوقف شود را نما، پلان یا شات، می‌نامند.

به عنوان کوچک‌ترین جزء معنایی در زبان فیلم، در نظر گرفته شده بود؛ اما با توجه به تکرار برخی مضامین در پلان‌ها و به منظور جلوگیری از هجو و خطا در پژوهش، پلان به سکانس-مجموعه‌ای از چند صحنه که وحدت موضوعی یا مضمونی داشته باشد،- تغییر پیدا کرد.

به این ترتیب در رهیافت تحلیل محتوای جهت‌دار با تکیه بر نظریه تقسیم کار اجتماعی دورکیم، به رده‌بندی مفاهیم پرداخته می‌شود.

جامعه آماری

این پژوهش به دنبال بررسی توسعه پایدار در جوامع روستایی ایران می‌باشد، اما با توجه به این که مطالعه روستاهای کل استان‌های کشور، زمان‌بر بوده و همچنین مهم‌تر از آن ممکن است از میزان دقت بررسی بکاهد، روستاهای استان خراسان جنوبی به عنوان جامعه آماری این پژوهش انتخاب شده است.

انتخاب این استان به عنوان جامعه آماری از جهت مشکلاتی که برای آن تعریف شده بود، حائز اهمیت و مورد توجه می‌باشد؛ از جمله: خشکسالی، ناامنی مرزهای شرقی کشور، تراکم جمعیتی کم استان و ... که به عنوان عوامل محرومیت این استان مطرح شده است (۱۳۹۶).

به این ترتیب ۳۴ قسمت مجموعه مستند روستاهای استان خراسان جنوبی که با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی، اشتغال و محصولات کشاورزی آن استان، در ۳۰ روستا به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که از این ۳۴ قسمت، قسمت‌های ۱۶، ۱۷ و ۲۴ تکرار روستاهای "دادران"، "گل" و "زیرکوه" می‌باشد. ضمن اینکه در دو قسمت ۳۳ و ۳۴ به صورت توضیحات تکمیلی به روستای "کُرنَد" نیز پرداخته می‌شود.

انتخاب این مجموعه از آن جهت حائز اهمیت می‌باشد که تهیه و کارگردانی ۳۴ قسمت مستند مذکور توسط محمد عبداللّهی صورت گرفته است که زاده بیرجند و از

بومیان این استان می‌باشد. همچنین به منظور ارزیابی سازگاری ابزار مورد استفاده با هدف در پژوهش حاضر و رسیدن به نوعی وفاق در مورد روایی رده‌بندی توسعه پایدار، از اعتبار صوری بهره گرفته شده است.

قابلیت اعتماد در توصیف جنبه‌های گوناگون قابل اطمینان نیز، با توجه به نظریه تقسیم کار اجتماعی دورکیم به عنوان چارچوب نظری، مورد سنجش قرار گرفته است.

تعاریف نظری

توسعه یافتگی:

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته شدن و قدرتمند شدن است. توسعه همچنین یک مفهوم کیفی است که در برابر رشد قرار می‌گیرد و می‌توان آن را معادل افزایش کیفیت زندگی دانست (خاکپور، ۱۳۸۷).

توسعه جریانی تک‌بعدی نیست بلکه جریانی چندبعدی است که در آن، مجموعه نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هماهنگ و متناسب با نیازهای اساسی انسان ارتقاء یافته و از این رو، ظرفیت‌های جدیدی در جامعه ایجاد می‌شود، به طوری که کل جامعه را در وضعیت بهتر و مطلوب‌تری نسبت به گذشته آن قرار می‌دهد. (نوابخش؛ ۱۴۰۰: ۲۲)

توسعه انواعی دارد که در ادامه، به آنها اشاره خواهد شد:

توسعه اجتماعی: اشکال متفاوت کنش متقابل است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد. توسعه اجتماعی در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است.

توسعه فرهنگی: یکی دیگر از پیش شرط‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، می‌تواند بستر و شرایط مستعد فرهنگی باشد. اصولاً توسعه، بدون در نظر گرفتن بستر و زمینه فرهنگی آن محکوم به شکست است.

توسعه اقتصادی: مهم‌ترین دغدغه توسعه اقتصادی؛ به تناسب میان جمعیت و منابع موجود برای آن مربوط است.

توسعه سیاسی: فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادینه کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است.

توسعه انسانی: توسعه انسانی یعنی گسترش فرایند انتخاب افراد. در واقع مفهوم توسعه انسانی گویای آن است که انسان‌ها بتوانند از امکانات و قابلیت‌های موجود در جهت تعالی اهداف انسانی، اجتماعی و تأمین نیازهای فیزیولوژیک خود بهره‌برداری نمایند.

توسعه برون‌زا: نوعی الگوی توسعه است که منشأ و جهت‌گیری خارجی داشته و بر تقلید از کشورهای توسعه‌یافته غربی تأکید می‌ورزد.

توسعه درون‌زا: توسعه‌ای است که با استفاده از منابع داخلی صورت می‌پذیرد و زمانی تحقق می‌یابد که سطح آگاهی‌ها، دانش مردم، امکانات، توانمندی و علاقه‌مندی به جامعه به حدی رسیده باشد که بتواند از درون خود با توجه به فرهنگ، آداب و رسوم سنن اجتماعی و ارزش‌ها و باورهای حاکم بر جامعه و با استفاده از همه نیروهای موجود، اقدام به تلاش برای دست‌یابی به اهداف مطلوب مادی و معنوی خویش نماید.

توسعه پایدار: از اوایل دهه ۱۹۸۰ مفاهیم و استراتژی‌های توسعه تغییر کرد و اندیشمندان، توسعه را فرایندی دانستند که در آن انسان هم هدف و هم وسیله توسعه تلقی می‌شد. (توسعه درون‌زا یا خودتکایی) (همان: ۴۰-۲۳).

توسعه پایدار:

مفهوم توسعه پایدار، نخستین بار به‌طور رسمی در سال ۱۹۸۷ در گزارش برانت لند با عنوان "آینده مشترک ما" کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل مطرح شد. این کمیسیون، توسعه پایدار را چنین تعریف می‌کند: «تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به مخاطره انداختن ظرفیت‌های نسل آینده برای رفع نیازهایشان» (Wackernagel & Yount, 2000: 23).

لذا در ارزیابی ابعاد توسعه پایدار می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

در توسعه اقتصادی هدف غایی تأمین رشد اقتصادی پایدار، به حداکثر رساندن منافع، گسترش بازار، حداقل ساختن هزینه‌ها است. در توسعه محیطی تأمین ظرفیت تحمل منابع، حفاظت و بازیافت منابع، کاهش ضایعات و در توسعه اجتماعی، رضایتمندی از نیازها و افزایش خوداتکایی معنا یافته‌اند (Rodrigue, 2009: 2)

پیش از مطرح شدن پارادایم توسعه پایدار روستایی، توسعه روستایی به‌طور عمده معطوف بر اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی بود (Ward & Brown, 2009). اما تغییرات در شبکه‌های تولید جهانی و افزایش شهرنشینی، شخصیت مناطق روستایی را تغییر داد. (Chigbu, 2012: 212).

در پس فرآیند تحولات نوگرایی در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، سیاست‌های مصرف‌گرایی در ارتباط با حوزه کشاورزی تشدید پیدا کرد و با مطرح شدن پارادایم "توسعه" در مقابل "رشد"، در آغاز دهه ۱۹۸۰، این سیاست‌ها توسط متخصصان و کنشگران امر توسعه به چالش کشیده شد. این موضوع خصوصاً در کشورهای درحال توسعه عامل بدتر شدن شرایط اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی گشت. شکست نوگرایی به ویژه در بخش کشاورزی، موجب گرایش بالقوه به پارادایمی جدید در توسعه‌یافتگی تحت عنوان توسعه پایدار روستایی شد (Borec&Turk, 2009: 40-41).

از طرف دیگر توسعه پایدار روستایی به میزان قابل ملاحظه‌ای وابسته به ابعاد نهادی نیز است. جوامع روستایی شاید سرنوشت خود را نتوانند تعیین نمایند اما دولت‌ها می‌توانند به میزان قابل توجهی در توانمندسازی آنها در این زمینه یاری رسانند (Herrmann, et. al., 1999; Matthews et. al., 1999).

تفاوت باور و خرافه:

باور عقیده‌ای درست یا نادرست است. باورها عقاید پیشینیان در تمامی جنبه‌های زندگی از تولد تا مرگ بوده است. باورها گاه خرافی است و گاه نه. درستی و نادرستی و

خرافه بودن و نبودن آن به نوع بینش و تفکر باورگذار و باورپذیر و اعتقادات شخصی آنان بستگی دارد. یکی دانستن باور با خرافه، نوعی جهت دادن و دخالت نگرش شخصی به باورهاست.

از همین جا تفاوت باور و خرافه معلوم می‌شود. خُرافه، واژه‌ای عربی و جمع آن خرافات است. ریشه آن «خرف» به معنای «پیری و فرتوتی» است. «خُرافه» مصدر این فعل است و در اصطلاح بر «حکایت ساختگی و خنده‌آور» یا «عقیده فاسد و رأی باطل، سخن بیهوده و یاوه»، اطلاق می‌شود (به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۰).

باورهای عامه:

باورهای عامه زیرمجموعه فولکلور و در حوزه مردم‌شناسی است (همان: ۸).

سی.اس.برن، موضوعات فولکلور را در سه مقوله اصلی قرار داده است:

۱. باورها و عرف و عادات مربوط به زمین و آسمان، دنیای گیاهان و رویدنی‌ها، دنیای حیوانات، دنیای انسانی، اشیای مخلوق و مصنوع بشر، روح و نفس و دنیای دیگر، موجودات مافوق بشر، غیب‌گویی و معجزات و کرامات، سحر و ساحری و طبابت.

۲. آداب و رسوم مربوط به نهادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، شعائر و مناسک زندگی انسان، مشاغل و پیشه‌ها، گاه‌شماری و تقویم و جشن‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌های اوقات فراغت.

۳. داستان‌ها (حقیقی و سرگرم‌کننده)، ترانه‌ها و تصنیف‌ها، مثل‌ها و چیستان‌ها. (بیهقی: ۲۱؛ به نقل از همان: ۹)

تعاریفی که برای توصیف باورهای عامه به آنها اشاره شد را در بحث توتم و توتم پرستی دورکیم نیز می‌توانیم مشاهده کنیم.

از نظر دورکیم جامعه اولیه برای حفظ وحدت و همبستگی میان اعضای خود نیازمند قوانینی است که جنبه الزام‌آوری داشته باشند. اما این الزام‌آور بودن باید نهادینه شود و

حالت الزام بیرونی خود را از دست بدهد تا هر یک از اعضا با طیب خاطر، تن به خواست گروه داده از خواست‌های فردی خود بگذرد.

این کار تنها از طریق تدوین مقررات ممکن نیست. باید روحی جمعی به وجود آید و هر کس خود را بخشی از آن بداند. این روح جمعی و وجدان گروهی از طریق اتخاذ یک توتم^۱ به عنوان نماد گروه و سپس ارتقای آن به مقام الوهیت مقدور می‌گردد. هرچند این کار در آغاز آگاهانه انجام می‌شود، به تدریج اصل مسئله فراموش می‌شود و این باور شکل می‌گیرد که موجودی فراتر از جامعه وجود دارد که باید از قواعد اخلاقی وضع شده از سوی او پیروی کرد. در نتیجه الوهیت، آن روی سکه گروه اجتماعی است، نه وجودی متمایز از آن (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۹۲).

بدین ترتیب، مسئله باورها که یکی از ارکان اصلی هر دینی است، حل می‌شود. اما افزون بر باورها، در هر دینی شاهد مناسک و اعمال عبادی متعددی هستیم. دورکیم این مسئله را این گونه حل می‌کند که جامعه پس از ایجاد آن باور اولیه برای آنکه همواره فرد را متوجه گروه نگه دارد و به او بگوید که باید خود را بخشی تجزیه‌ناپذیر از گروه بداند، مناسکی ایجاد می‌کند که کارکرد آن در نهایت، تقویت روح همبستگی میان اعضای گروه است (همان: ۳۰۹).

مسئله توتمیسم را پیش‌تر از دورکیم، رابرتسون اسمیت^۲ مطرح کرده بود. او از گرایش‌های فردگرایانه و فکری-عقلی نظریه‌پردازان پیشین فاصله گرفته و مطالعه تطبیقی‌اش در باب قبایل سامی پیش از بنی‌اسرائیل، او را به این نتیجه رسانده بود که دین ابتدایی در بنیاد، مسئله‌ای مربوط به نهادهای اجتماعی و شعائر و آیین‌هاست. نه عقاید و آرای فردی و مابعدالطبیعی.

۱. توتم عبارت است از؛ حیوان یا درخت یا حتی قطعه‌ای از شیئی که همه افراد یک عشیره، قبیله یا کلان آن را نیای مشترک خود می‌دانند و برای آن احترام خاصی قائل‌اند.

۲. پژوهنده عهد عتیق و پژوهشگر زبان‌های سامی.

اسمیت بر خصلت اجتماعی دین و نیز بر اهمیت توتمیسم تأکید داشت و این شیوه پرستش قبیله بدوی را ابتدایی‌ترین شکل حیات دینی می‌دانست (خرمشاهی، ۱۳۷۲: ۱۳۹). همان‌طور که در نظریات دورکیم و اسمیت مشاهده شده، آنچه در قبایل ابتدایی، گروه‌های نخستین و به‌طور کلی اجتماعات اولیه دیده می‌شود، تلاش برای حفظ روح جمعی و همبستگی بین اعضا است. توتمیسم و به‌طور کلی شکل‌گیری باورهای در ارتباط با آن نیز ناشی از همین کوشش برای نگهداری اتحاد بین افراد می‌باشد؛ به دلیل نقش بسزایی که باورها در نهادینه کردن قوانین جمعی دارند.

به این ترتیب در اجتماعات روستایی نیز می‌توانیم شاهد چنین باورهایی در بین عموم مردم باشیم که در برخی موارد بیش از آن که بر اساس اصول منطقی و عقلایی باشد، پشتوانه خرافی داشته و چه‌بسا حتی به‌مرور زمان کارکرد اصلی آن از بین رفته و تنها شکل تحریف‌شده و خرافی آن باور باقی‌مانده باشد.

تعاریف عملیاتی

باورهای عامه

با توجه به تعریف دورکیم از جوامع ابتدایی و همبستگی مکانیکی در نظریه تقسیم کار اجتماعی و همچنین آنچه در تعریف نظری از باورهای عامه آورده شده است؛ می‌توان جوامع روستایی در ایران را به عنوان بستری در نظر گرفت که این باورها در آن تولید و بازتولید می‌شود.

نخستین فکر اصلی دورکیم در همبستگی خود به خودی، به مفهوم وجدان جمعی مربوط می‌شود؛ در جوامع دارای همبستگی مکانیکی یا خودبه‌خودی، مهم‌ترین بخش هستی (فرد) تابع فرمان‌ها و ممنوعیت‌های اجتماعی است (آرون، ۱۳۸۷: ۳۶۵).

«وجدان جمعی، بنا به تعریف، در تمامی گستره جامعه پراکنده است،

... افراد می‌گذرند، ولی وجدان جمعی باقی می‌ماند. وجدان جمعی، نوع

روحي جامعه است، نوعی که درست مانند انواع فردی، هرچند به شیوه‌ای

دیگر، دارای خواص، شرایط هستی و شیوه توسعه خاص خویش است" (آرون، ۱۳۸۷: ۳۸۵).

این تعریف دورکیم از وجدان جمعی را می‌توان در جوامع روستایی ایران نیز مشاهده کرد؛ «در جامعه روستایی ایران، عرف عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در تبیین مسائل و تعیین حدود نسق و حل مشکلات تلقی می‌شود و مردم روستایی، بی‌نیاز از مقررات مدون، در بسیاری از امور معضلات خود را از این طریق مرتفع می‌کنند» (وثوقی، ۱۳۸۷: ۱۶). با توجه به مراتب مذکور، می‌توانیم جوامع روستایی را به عنوان بستری در نظر بگیریم به منظور بررسی رده (متغیر) توسعه پایدار روستایی.

توسعه پایدار روستایی:

همان‌طور که در تعریف نظری مفهوم توسعه پایدار اشاره شد؛ می‌توان ابعاد این مفهوم را در سه مقوله اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در نظر گرفت. با این وصف ارتباط این سه مقوله نیز حائز اهمیت می‌باشد. با توجه به نظریه تقسیم کار اجتماعی دورکیم، به هر یک از ابعاد توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، به صورت جداگانه پرداخته و سپس ارتباط آنها در شکل‌گیری مفهوم توسعه پایدار روستایی تشریح می‌شود.

توسعه اقتصادی:

در تعریف نظری، هدف غایی توسعه اقتصادی، تأمین رشد اقتصادی پایدار، به حداکثر رساندن منافع، گسترش بازار و حداقل ساختن هزینه‌ها، بیان شده است. این در حالی است که دورکیم معتقد است؛ نمود تقسیم کار اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناس با تبیین آن از دیدگاه اقتصاددانان فرق دارد.

در واقع تقسیم کاری که دورکیم در صدد درک و تعریف آن است با تقسیم کار موردنظر اقتصاددانان فرق دارد. با توجه به تئوری دورکیم، به حداکثر رساندن منافع در

نتیجه فعالیت‌های صنعتی که از نظر اقتصاددانان به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی در جوامع قلمداد می‌شود، در جامعه‌ای با همبستگی مکانیکی نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد. از آنجایی که هر نوع تقسیم کاری در جوامع خبر از تغییر همبستگی مکانیکی به همبستگی اندامی آن جوامع می‌دهد؛ این شکل‌گیری مشاغل مختلف با هدف بازده بیشتر، از تمایزی خبر می‌دهد که افراد با آگاهی از این تمایز به تقسیم کار پرداخته‌اند و آن آگاهی پیش از گسست همبستگی خود به خودی نمی‌تواند شکل گرفته باشد.

«...، تعدد فعالیت‌های صنعتی، مظهری از تمایز پذیری اجتماعی است

که دورکیم آن را مقدم می‌شمرد. منشأ این نوع تمایز پذیری اجتماعی از هم پاشیدگی همبستگی ساختگی و شالوده‌قطعی یا تیره مانند جامعه است» (آرون، ۱۳۸۷: ۳۶۴).

«اقتصاددانانی که تقسیم کار اجتماعی را ناشی از نفعی می‌دانند که افراد برای تقسیم وظایف مابین خود به منظور افزایش بازده اجتماع داشته‌اند، در اشتباه هستند. ... گفتن اینکه افراد به منظور بالا بردن بازده اجتماعی کار را بین خود تقسیم کرده و به هر یک شغل خاصی داده‌اند بدان ماند که پیش از آنکه تمایز پذیری‌های افراد در مقیاس اجتماعی ظاهر شود افراد را از هم متمایز و نسبت به تمایزهای اجتماعی خود، آگاه فرض کنیم. حقیقت این است که آگاهی به فردیت، عملاً پیش از پیدایش همبستگی اندامی و تقسیم کار نمی‌توانست وجود داشته باشد. جستجوی عقلانی بازده بیشتر قادر به تبیین تمایز پذیری اجتماعی نیست زیرا تقاضای بازده بیشتر خود مستلزم وجود تمایزهای اجتماعی است» (دورکیم، ۱۳۸۷: ۳۶۷).

با این وصف، "به حداکثر رساندن منافع" که در تعریف نظری به عنوان هدف غایی توسعه اقتصادی، بیان شده بود با توجه به نظریه تقسیم کار دورکیم نمی‌تواند به عنوان معیاری برای بررسی توسعه اقتصادی در جوامع روستایی به کار برود.

البته ممکن است در برخی جوامع با همبستگی مکانیکی شاهد پیشرفت اقتصادی نیز باشیم، که با توجه به آنچه دورکیم به آن معتقد است و بیان می‌دارد، این پیشرفت اقتصادی صرفاً تقلیدی و سطحی بوده و چون ریشه‌های عمیق ندارد، بنابراین خیلی زود از بین می‌رود و مجدداً همان همبستگی خودبه‌خودی باقی خواهد ماند.

«کاملاً امکان دارد که نوعی تقسیم کار، خصوصاً تقسیم کار اقتصادی، در یک جامعه بسیار پیشرفته باشد و حال آنکه سازمان قطعی هنوز به شدت ابراز وجود می‌کند. ... دلیلش این است که در واقع تقسیم کار، که نمودی مشتق و ثانوی است، ... در سطح زندگی اجتماعی جریان دارد (و نه در عمق آن)، و این خصوصاً در مورد تقسیم کار اقتصادی صادق است. این تقسیم کار سطحی است. ... روحیه تقلید، یا تماس با تمدنی کامل‌تر، مثلاً می‌تواند به چنین نتیجه‌ای بینجامد. ... هوشمندی‌هایی در انسان پدید می‌آید که برای حصول پیشرفت کافی‌اند اما ریشه‌های عمیق ندارند. این‌گونه هوشمندی‌های (مبتنی بر فهم و آموزش) به همین دلیل از راه توارث انتقال‌پذیر نیستند» (آرون، ۱۳۸۷: ۳۶۴).

به این ترتیب در تعریف عملیاتی توسعه اقتصادی، نه لزوماً منفعت مادی و بالا بردن بازده اجتماعی بلکه تعدد مشاغل و گسترش بازار به معنای ارتباط با یکدیگر تعریف نظری نیز آمده است، با رویکرد تقسیم اجتماعی دورکیم، هم‌خوانی دارد. منظور از گسترش بازار و ارتباط با دنیای خارج در اینجا؛ برقراری روابط تجاری جوامع روستایی با یکدیگر و همچنین جوامع شهری می‌باشد. گذشته از این روابط تجاری جوامع روستایی، مشارکت مردم یک جامعه روستایی با همدیگر که فرهادی از آن تحت عنوان همیاری یاد می‌کند نیز تأییدکننده توسعه اقتصادی می‌باشد.

«قطاع یا تیره، در قاموس دورکیم، یک گروه اجتماعی است که افراد آن با هم پیوندهای بسیار نزدیک دارند. اما قطاع یا تیره همچنین گروه

محلی مشخصی، نسبتاً جدا از دیگر گروه‌ها و دارای زندگی خاص خویش است» (آرون، ۱۳۸۷: ۳۶۲).

علی‌رغم بی‌توجهی نسبت به نفع مادی در بررسی توسعه اقتصادی روستا، رفاه مادی، در رده‌بندی، به عنوان زیر مقوله این بُعد از توسعه، در نظر گرفته شده است. از آن جهت که بر مفهوم رضایت از زندگی - به عنوان زیر مقوله توسعه اجتماعی که در ادامه توضیح داده خواهد شد- تأکید دارد و نه لزوماً افزایش بازده اجتماعی و یا منفعت‌طلبی برای رسیدن به سود و سرمایه اقتصادی. و این ابعاد - اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی - در شکل‌گیری مقوله توسعه پایدار روستایی مکمل هم می‌باشند.

توسعه اجتماعی:

توسعه اجتماعی در تعریف نظری، "رضایتمندی از نیازها و افزایش خوداتکایی" معنا یافته است. این معنا از توسعه اجتماعی را در نظریه دورکیم نیز می‌توان دید. به این ترتیب که رضایتمندی از نیازها را، - به عنوان زیر مقوله توسعه اجتماعی در رده‌بندی، - می‌توان با مفهوم احساس خوشبختی یا رضایت از شرایط و وضع زندگی که دورکیم به آن می‌پردازد، هماهنگ دانست.

«او می‌گوید، راست است که در جوامع جدید خوشی‌ها متعددتر و لطیف‌ترند، لکن این تمایز پذیری خوشی‌ها نتیجه تمایز پذیری اجتماعی است نه علت آن» (آرون، ۱۳۸۷: ۳۷۱).

«تقسیم کار را نه می‌توان بر اساس ملال خاطر تبیین کرد، نه بر اساس جستجوی خوشبختی، نه بر اساس افزایش خوشی‌ها» (همان: ۳۷۲).

بنابراین می‌توانیم تأمین نیازها و همچنین احساس شادمانی و خوشی را در تأیید توسعه اجتماعی کدگذاری کنیم. از آنجایی که بستر بررسی این پژوهش جوامع روستایی با همبستگی مکانیکی می‌باشند، بنابراین توسعه اجتماعی بر اساس خودکفایی یا خودبستگی اجتماعات روستایی نیز کدگذاری می‌شود.

«مفهوم ساخت قطاعی یا تیره‌ای را نباید با مفهوم همبستگی از راه همانندی یکی دانست. منظور از این مفهوم، انفراد نسبی، یا خودبستگی عناصر گوناگون است. می‌توان تصور نوعی جامعه کلی را کرد که در مکان وسیعی گسترده است و چیزی جز اتصال قطعات یا تیره‌های همانند و خودبسته نیست» (دورکیم، ۱۳۸۷: ۳۶۴).

توسعه زیست‌محیطی:

در توسعه محیطی با توجه به تعریف نظری "تأمین ظرفیت تحمل منابع، حفاظت و بازیافت منابع، کاهش ضایعات"، در تأمین ظرفیت تحمل منابع به عنوان زیر مقوله؛ به حفظ و حتی گسترش منابع موجود در مکان مورد بررسی اشاره می‌کنیم. به این ترتیب حفاظت و بازیافت منابع، به معنی تلاش برای استفاده بهینه و نگهداری منابع، همچنین احیای منابع در معرض خطر انقراض، مورد توجه می‌باشد.

گذشته از آن، کاهش ضایعات به منظور جلوگیری از آلودگی محیط و تأثیر مخرب بر منابع طبیعی نیز، حائز اهمیت بوده، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. به تعبیر دالی^۱ تولید مواد زائد باید در حد ظرفیت محیط باشد. در صورتی که بیشتر از آن باشد، برای مواد زائد بعدی که تولید می‌شود، جایی برای جذب باقی نمی‌ماند و در نتیجه ظرفیت تخریب می‌شود.

جدول ۱- رده‌بندی توسعه پایدار روستایی

توسعه پایدار روستایی			تم (واحد معنا)
توسعه زیست‌محیطی	توسعه اجتماعی	توسعه اقتصادی	مقوله
تأمین ظرفیت تحمل منابع	احساس رضایتمندی	رفاه مادی	زیر مقوله
حفاظت از منابع	خودبستگی عناصر گوناگون یا انفراد نسبی (خودکفایی)	تعدد مشاغل	کد ۱
باز یافت منابع	تأمین نیازها	روابط تجاری با دنیای خارج	کد ۲
کاهش ضایعات	احساس شادمانی و خوشی	مشارکت و همکاری در کارها	کد ۳

یافته‌ها:

میدان تحقیق و چگونگی به کارگیری باورهای عامه توسط روستاییان

پژوهش حاضر با هدف «تبیین تأثیر باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی» در روستاهای استان خراسان جنوبی، مورد بررسی قرار گرفته است. از آن جهت که به نظر می‌رسد اجتماعات روستایی این منطقه به نسبت سایر مناطق بیشتر در معرض آسیب‌های زیست‌محیطی و اجتماعی قرار گرفته است و به این ترتیب برخورداری از توسعه این استان می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

مناطق مرزی به دلیل دوری از مرکز کشور و همجواری و تماس با محیط‌های بیرونی، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند (امیرپناهی، ۱۳۹۴: ۵۱۶). روستای اسفاد از توابع شهرستان قائن، به بیابانی عشایر نشین منتهی می‌شود که این بیابان به کشور افغانستان وصل است.

یکی از آثار باستانی این منطقه، سنگ مُدونی می‌باشد که مقابل دروازه قلعه مسکونی خود قرار می‌دادند به منظور جلوگیری از حملات راهزنان به این منطقه؛ موردی که شاید

در سال‌های اخیر کمتر در مناطق روستایی به چشم بخورد. همچنین به دلیل مرزی بودن، طرز لباس پوشیدن مردم این منطقه و برخی سنن آنها نیز به کشور همجوار خود یعنی افغانستان شباهت دارد.

تعریف نسق؛ به قواعد و نظام عرفی و حقوقی در استفاده از آب و زمین در اراضی مزروعی آبی و دیم اشاره دارد؛ زارعان صاحب نسق این حق را با پیدا کردن حق ریشه، یعنی با کار کردن حداقل بیش از یک سال در زمین‌های مزروعی پیدا می‌کردند (فرهادی، ۱۳۷۲). در تحلیل محتوای انجام شده نیز، اکثر روستاهای این منطقه به صورت مشترک شاهد کم آبی و به تبع آن مشکلات کشاورزی می‌باشند. اما در همان بستر روستا با دانش سنتی و باورهای عامه به دنبال راه حل بوده و در جهت پیشرفت همچنان در تلاش می‌باشند.

استفاده از قنات به مراتب بیشتر از چاه، بازسازی حوضه آبریز تخریب شده داخلی روستا و به کارگیری سیستم نوبت دهی برای آبیاری نیز، در اکثر روستاهای استان خراسان جنوبی دیده می‌شود. همچنین شاهد کار دسته‌جمعی در روستاهای این استان بوده‌ایم که مفهوم 'بُنه' - سازمان‌های تعاونی تولید سنتی در زمینه تولید کشاورزی (فرهادی، ۱۳۷۲) - را در ذهن تداعی می‌کند.

کارآفرینی عامل محرک و موتور توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. کارآفرین منتظر سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل از طرف دولت نیست، او خود با شناخت صحیح از فرصت‌ها و استفاده از سرمایه‌های را کد امکاناتی را فراهم نموده و با سازمان‌دهی و مدیریت منابع، ایده خود را عملی می‌نماید (هزارجریبی، ۱۳۹۵).

این مفهوم از کارآفرینی در روستاهای استان خراسان جنوبی به کرات دیده می‌شود؛ هر یک از گروه‌های زنان، جوانان و بعضاً سالمندان به عنوان مشاور و فرد باتجربه، با توجه به شرایط طبیعی، جغرافیایی و همچنین امکانات موجود مشاغل متعددی از فعالیت‌های مربوط به دامداری، کشاورزی، آشپزی، قنادی، ابزار و را در منطقه خود ایجاد کردند.

۱. واحد زراعی سنتی در نظام ارباب رعیت سابق که در آن تعدادی دهقان اغلب دسته‌جمعی به کار تولید زراعی اشتغال داشتند. (خسروی، ۱۳۵۷: ۱۳)

تشکیل تعاونی زنان در روستای غنی‌آباد و اشتغال چهار خانوار در این تعاون در حرفه‌های قالی‌بافی، عروسک‌سازی، شیرینی‌پزی.

توانمندسازی به معنای افزایش میزان اختیار و اقتدار فرد برای انتخاب منابع و اعمال نظر در تصمیماتی است که زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهند (سام آرام، ۱۳۹۱: ۱۰-۹). می‌توانیم شاهد این مفهوم از توانمندسازی در روستای اکبریه از استان خراسان جنوبی نیز باشیم؛ صحبت‌های یکی از جوانان این روستا که به حرفه پرورش شترمرغ مشغول بوده و از تأثیری که شرایط و گنجایش روستا در شکل‌گیری هدف و انگیزه ایجاد کار تولیدی داشته، گفته است.

در کشاورزی بومی خاک تقویت‌شده و خاک حاصلخیز تولید می‌کنند، آب را ذخیره و پاک‌سازی کرده و آن را تدریجاً رها می‌سازند، از خورشید انرژی گرفته، تبدیل و ذخیره می‌سازند، به محیط‌زیست آسیب نمی‌رسانند و باعث آلودگی نمی‌شوند، در این نوع از کشاورزی تنوع کشت بالاست و از محیط‌های کوچک که هر کدام دارای شرایط خاص به لحاظ خاک، آب، دما، شیب و ... هستند بهره‌برداری می‌کنند و بر منابع محدود محلی انرژی انسانی و حیوانی موجود متکی هستند (جمعه پور، ۱۳۹۳).

در روستای چنشت^۱، با نمای درختان خشک در یکی از سکانس‌های بررسی‌شده؛ گوینده از خشکسالی طی سال‌های متوالی در این روستا و اثرات آن مخصوصاً در بخش کشاورزی صحبت کرده بود؛ و اما راه‌حلی که مردم این منطقه در پیش گرفتند؛ هرس درختان و از بین بردن درختان آفت‌زده به منظور افزایش بازدهی سایر درختان و مواردی از این قبیل بوده است.

استفاده از خیش و خراش زمین نیز بر باورهای عامه مردم این روستا تکیه دارد. کشورهای صنعتی از دشت‌های پهناوری تشکیل شده‌اند که دارای خاکی عمیق و حاصلخیز، هوایی معتدل، آب فراوان و مزارع وسیع هستند و تراکتور برای چنین جاهایی

اختراع شده است؛ درحالی که ایران سرزمینی است کوهستانی با هوایی نیمه خشک و بیابانی که دارای مزارع کوچک با خاک‌های متنوع و کم عمق است چه بسا روی قشری از سنگریزه قرار دارد و شخم عمیق جز اینکه سنگریزه‌ها را با خاک زراعی مخلوط کند، چیز دیگری نیست (فرهادی، ۱۳۸۰).

گذشته از آن در مناطق گرمسیری از نظر مواد آلی فقیرند و شخم عمیق با تراکتور بر اثر خشکی و گرمی هوا باعث اکسیده شدن سریع این مواد و از بین رفتن آن می‌شود. همچنین در ایران یک نوع خیش نداریم، همگام با تنوع خاک‌ها و شرایط جغرافیایی، تنوع در ابزار کشاورزی و از جمله خیش دیده می‌شود (همان).

شخم زدن زمین در روستای محمودآباد شهرستان درمیان^۱، با آیین‌ها و رسوم قدیمی به وسیله دام، مال-حیوانات اهلی؛ گاو و الاغ- و رضایت از کیفیت محصولات به عمل آمده.

توضیحات یکی از اهالی سالخورده روستای گل از توابع شهرستان خوسف درباره کاشت صحیح زعفران و اشاره به شخم سطحی و گهگاه عمیق، استراحت زمین کشاورزی پس از چند سال متوالی کشت به منظور ارتقای کیفیت خاک و محصول در سال‌های آتی با وجود خشکسالی پی‌درپی در این منطقه روستای سربیشه، بر کارکرد صحیح باورهای عامه صحه گذاشته و نشان می‌دهد مردم این روستا با دانش سنتی خود، با وجود خشکسالی و کم آبی، به فکر بازدهی بیشتر و محصولات بهتر هستند.

کشاورزی ایرانی از مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها و فناوری‌های گوناگون، به ویژه در زمینه آب یابی، آبرسانی و آبیاری و نظامات دقیق تقسیم آب و کشت‌های شگفت‌آور و کمتر شناخته شده‌ای همچون کشت آدوری (خاروابست)، کشت سبویی (کوزه‌ای) و کشت سنگچالی (زیرزمینی) و سازمان‌های نظیر مبارزه با سرماهای نابهنگام و شیوه‌های گوناگون توان بخشی زمینی برخوردار بوده است (فرهادی، ۱۳۸۰).

گذشته از آن جوامع این استان طی تاریخ اغلب در معرض حملات اقوام بیگانه و بیابان‌گرد قرار می‌گرفتند. به این ترتیب شکل سکونتگاه‌های برخی از این نواحی، روستاها را به صورت قلعه‌ای متمرکز کرده بود. در واقع علت وجودی روستاهای قلعه‌ای شکل تا حد زیادی به ناامنی و حوادث تاریخی مربوط می‌شود. و خانه‌های روستایی در آن به وسیله دیوارهای ضخیم احاطه شده‌اند.

درباره این شکل خاص خانه‌سازی روستایی و به‌طور کلی، علت وجودی قلعه‌های روستایی، جغرافی‌دانان و جامعه‌شناسان نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند. آنچه از مطالعات مختلف برمی‌آید، این است که در این مورد عامل امنیت از مهم‌ترین عوامل به حساب می‌آید (وثوقی، ۱۳۸۷: ۲۴).

روستای فورگ در فاصله ۹۴ کیلومتری از مرکز شهرستان درمیان و ۹۵ کیلومتری تا مرکز استان (بیرجند)، دارای یک قلعه تاریخی می‌باشد (یکی از سکانس‌های قسمت ۲۸- روستای فورگ). این موارد و موارد مشابه دیگری نشان از تأثیر مثبت باورهای عامه بر توسعه می‌دهد. به این ترتیب نه تنها باورهای عامه مانع توسعه تلقی نمی‌شود، بلکه همین باورها در بستر روستا است که می‌تواند توسعه پایدار روستایی را شکل می‌دهد.

جدول ۲- توسعه پایدار روستایی و ابعاد آن در روستاهای استان خراسان جنوبی^۱

ردیف	اسامی روستاها	توسعه اقتصادی	توسعه اجتماعی	توسعه زیست‌محیطی	توسعه پایدار روستایی
۱	آنیک	۱۶	۴۲	۲۸	۸۶
۲	آرک	۱۶	۲۸	۱۹	۶۳
۳	بیدسک	۱۹	۴۱	۱۳	۷۳
۴	چاهداشی	۱۰	۳۹	۱۴	۶۳
۵	آفین	۱۹	۵۶	۱۶	۹۱
۶	بهدان	۲۵	۳۵	۲۰	۸۰

۱. اعداد این جدول به شمارش عینی و منظم مفاهیم و جزئیات تعریف شده هر یک از ابعاد توسعه پایدار اشاره دارد.

ردیف	اسامی روستاها	توسعه اقتصادی	توسعه اجتماعی	توسعه زیست محیطی	توسعه پایدار روستایی
۷	باراز	۲۴	۳۳	۱۴	۷۱
۸	آکبریه	۲۸	۳۰	۳۷	۹۵
۹	آواز	۶	۲۱	۱۱	۳۸
۱۰	دادران	۹	۱۹	۳	۲۳
۱۱	خوانشرف	۱۱	۱۸	۹	۳۸
۱۲	کریمو	۳	۲۷	۲۰	۵۰
۱۳	خرو	۱۰	۱۷	۱۴	۴۱
۱۴	شواکند	۴	۳۰	۱۸	۵۲
۱۵	گل	۷	۲۵	۱۷	۴۹
۱۶	خور	۷	۴۴	۱۴	۶۵
۱۷	چنشت	۳	۲۵	۱۲	۴۰
۱۸	زول	۲۴	۳۰	۸	۶۲
۱۹	نوفرست	۱۸	۳۵	۲۱	۷۴
۲۰	آزمیغان	۱۷	۳۰	۱۳	۶۰
۲۱	درمیان	۲	۱۹	۸	۲۹
۲۲	اسفاد	۸	۲۴	۵	۳۷
۲۳	اصفک	۲۷	۳۹	۱۷	۸۳
۲۴	استند	۲	۲۴	۱۳	۱۹
۲۵	فورگ	۶	۱۴	۱۳	۳۳
۲۶	غنی آباد	۱۶	۲۶	۲۶	۴۷
۲۷	خوان	۱۲	۳۷	۱۰	۵۹
۲۸	محمدآباد	۹	۱۸	۱۲	۳۹
۲۹	گره	۶	۱۳	۱۲	۳۱
۳۰	گرنند	۳۱	۴۸	۲۱	۱۰۰

توسعه اجتماعی:

مطالعه و تحقیق در روستاها به عنوان بستر باورهای عامه، نشان می‌دهد باورهای عامه موجب توسعه اجتماعی می‌شود. روستای افین با توسعه اجتماعی ۵۶، از نظر روحیه وحدت و صمیمیت، خودکفایی و تأمین نیازهای خود و اهالی، نسبت به روستاهای دیگر استان خراسان جنوبی؛ در بالاترین مرتبه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است این روستا تنها منطقه‌ای نیست که دارای این توسعه می‌باشد؛ بلکه شاهد آن در تمامی ۲۹ روستای دیگر این استان نیز می‌باشیم.

«اگر در افین برای کسی مشکلی پیش بیاید مردم افین همیار همدیگر هستند

تا مشکل فرد را برطرف کنند. در مراسم و برنامه‌ها مشارکت دارند... قدیم ماشین

نبود مردم روستا بار رو با مال می‌آوردند...»^۱

بررسی‌های انجام شده از بالا بودن سطح توسعه اجتماعی در مقایسه با توسعه اقتصادی و زیست‌محیطی به عنوان مقولات در نظر گرفته شده توسعه پایدار روستایی، - در ۲۷ روستای " آنیک، آرک، بیدسک، چاهداشی، افین، بهدان، باراز، آواز، دادران، خوانشرف، کریمو، خرو، شواکند، گل، خور، چنشت، زول، نوفرست، ازمیغان، درمیان، اسفاد، اصفهک، فورگ، غنی آباد، خوان، محمدآباد، کره و کرند" خبر می‌دهد.

به این ترتیب با در نظر گرفتن تعاریف نظری و عملی توسعه اجتماعی مبنی بر رضایتمندی از نیازها، افزایش خوداتکایی و رضایت از شرایط موجود؛ با توجه به نظریه دورکیم، - می‌توان در تقابل با نظریات نوسازی، مردم این مناطق را علی‌رغم زندگی در روستاها و مناطق مرزی با وجود مشکلات موجود، دارای احساس رضایتمندی دانست.

توسعه زیست‌محیطی:

پشتکار مردم مناطق روستایی استان خراسان جنوبی، در نگهداری از محیط‌زیست و احیای آن، نشان می‌دهد باورهای عامه موجب شکل‌گیری توسعه زیست‌محیطی می‌شود.

۱. صحبت‌های یکی از اهالی روستای افین در یکی از سکناس‌های قسمت پنجم مجموعه

تلاش دو روستای اکبریه و استند، برای استفاده بهینه و نگهداری منابع، همچنین احیای منابع در معرض خطر انقراض و کاهش ضایعات به منظور جلوگیری از آلودگی محیط و تأثیر مخرب بر منابع طبیعی نیز، به نسبت توسعه اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد.

در حالی که روستای اکبریه با توسعه زیست‌محیطی ۳۷، در قیاس با مناطق دیگر این استان سطح بالاتری را به خود اختصاص داده است، اما این دلیل بر بی‌توجهی اهالی روستاهای دیگر نسبت به این مسئله نبوده است.

هر یک از این جوامع با توجه به شرایط و امکانات موجود در منطقه خود بیشترین تلاش در جهت نگهداری از منابع طبیعی را به عمل می‌آورند.

توسعه اقتصادی:

روحیه مشارکت، تلاش برای برقراری ارتباط با مناطق شهری و روستاهای دیگر، همچنین کمک برای ایجاد مشاغل مختلف و مناسب منطقه بومی اهالی جوامع روستایی، از باورهای عامه به عنوان دلیل شکل‌گیری توسعه اقتصادی خبر می‌دهد. در نهایت روستای کرند با توسعه اقتصادی ۳۱، در ارتباط تجاری با جوامع روستایی دیگر و جوامع شهری، همچنین تعدد مشاغل و همکاری اهالی با یکدیگر، نسبت به مناطق روستایی این استان، در رتبه بالایی قرار می‌گیرد.

توسعه پایدار روستایی:

به‌طور کلی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی به عنوان ابعاد توسعه پایدار روستایی در بین ۳۰ روستای مورد بررسی این استان، منطقه‌ای دیده نشده که نسبت به هریک از ابعاد این توسعه بی‌توجه بوده باشد. به عبارتی؛ در مطالعه و پژوهش صورت گرفته روستایی با توسعه پایدار؛ صفر، و یا حتی در هر یک از ابعاد آن که نشان از عدم وجود رفاه مادی، احساس رضایتمندی و تأمین ظرفیت تحمل منابع باشد، دیده نشده است.

به این ترتیب می‌توان فرضیه معنادار بودن رابطه باورهای عامه - به عنوان باورهای اهالی روستا - و توسعه پایدار روستایی را تأیید نمود. گذشته از معنادار بودن فرضیات، بررسی هر یک از روستاها نشان داده وجود روابط صمیمانه و به تعبیر دورکیم همبستگی مکانیکی سبب شکل‌گیری توسعه پایدار شده است.

از آنجایی که بین مردم روستاهای این استان وحدتی وجود داشت که ناشی از اعتقادات و باورهای سنتی در همان بستر روستا می‌باشد؛ می‌توان به تبع آن هر یک از مقولات روابط خویشاوندی، نظارت اجتماعی و مناسک گرایی - با توجه به نظریه تقسیم کار اجتماعی دورکیم،- در قالب زندگی روستایی را دلیل توسعه پایدار روستایی تلقی کرد.

۱. روابط خویشاوندی موجب توسعه پایدار روستایی می‌شود.

۲. نظارت اجتماعی موجب توسعه پایدار روستایی می‌شود.

۳. مناسک گرایی موجب توسعه پایدار روستایی می‌شود.

مقایسه توسعه پایدار روستایی ۳۰ جامعه روستایی استان خراسان جنوبی، نشان می‌دهد که منطقه کردند با توسعه پایدار روستایی؛ ۱۰۰، در سطح بالاتری قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از آن است که مردم روستاهای استان خراسان جنوبی با وجود مشکلات این منطقه، نه تنها سرزمین خود را رها نکرده بلکه با استفاده از دانش بومی و آنچه به عنوان باورهای عامه تلقی می‌شود، در جهت حفاظت از منابع، رشد اقتصادی و رفاه مادی ساکنین، احساس رضایت‌مندی، تأمین نیازها و خودکفایی تمام مساعی خود را به کار گرفته‌اند و این مهم سبب بهبود شرایط زندگی مردم مناطق روستایی این استان و در نتیجه افزایش جمعیت در آن شده است.

با توجه به این موضوع که مسئله اصلی در این پژوهش، توسعه پایدار است مشارکت و همکاری اهالی روستا در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی؛ همزیستی و همراستایی فزاینده‌ای با توسعه پایدار دارد؛ درحالی که الگوی توسعه نوسازی باعث تخریب و بهره‌برداری بیشتر منابع و همچنین آلوده کردن شهرها می‌شود؛ زیرا باورهای عامه، منافع آیندگان و بهره‌برداری صحیح از منابع را به عنوان هدف توسعه پایدار تأمین می‌کند.

به‌طور کلی می‌توان این‌گونه بیان داشت که؛ تقسیم‌بندی جوامع در تئوری دورکیم به همبستگی مکانیکی و ارگانیکی، سیر حرکت جوامع را نشان می‌دهد و نه لزوماً عقب‌ماندگی جوامع ابتدایی به معنای مانعی در جهت رسیدن به هر نوع توسعه؛ آن‌گونه که رویکردهای نسخه نوسازی از نظر اجتماعی، همچون؛ هوزلیتز^۱، مطرح می‌کنند.

وی مانع توسعه در جوامع توسعه‌نیافته را الگوهای فرهنگ سنتی دانسته و راه‌حل آن را جایگزین نمودن الگوهای فرهنگی مدرن می‌داند. درحالی که بررسی‌های انجام‌شده در روستاهای استان خراسان جنوبی نشان می‌دهد روستاهایی با مسافتی زیاد از مناطق شهری و همچنین غالب بودن الگوهای سنتی در سبک زندگی آنها، در مقایسه با جوامع روستایی دیگر از توسعه پایدار بالاتری برخوردار هستند.

به عبارتی؛ حتی جوامع توسعه‌یافته با توجه به معیارهای مطرح‌شده از سمت نظریه‌پردازان مکتب نوسازی - که ریشه در نظریات تکامل گرایان و کارکردگرایان کلاسیک دارد-، نیز از همان ابتدا پیشرفته نبوده، و برای رسیدن به توسعه، مراحل را گذرانده‌اند. به این ترتیب لازمه شکل‌گیری جوامع توسعه‌یافته همین جوامع ابتدایی با باورها و سنن خاص خود می‌باشد؛ چه‌بسا با نابودی این جوامع شاهد شکل‌گیری بحران‌های مختلف همچون بحران‌های زیست محیطی و معرفتی و ... نیز باشیم.

باید در نظر داشت حتی مسافت جوامع روستایی تا شهری نیز نمی‌تواند دلیل بر وجود یا عدم وجود توسعه پایدار روستایی به حساب بیاید؛ همان‌طور که در بررسی‌های انجام

۳۹۲ | فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی | سال پانزدهم | شماره ۵۹ | تابستان ۱۴۰۳

شده، روستای استند با فاصله ۳۵ کیلومتر تا شهرستان زیر کوه با توسعه پایدار ۱۹، در مقایسه با روستای کرند با فاصله ۳۶ کیلومتری از شهرستان بشرویه، با مسافتی یکسان بالاترین و پایین‌ترین توسعه پایدار را به خود اختصاص داده‌اند.

نکته حائز اهمیت این است که می‌توان از تئوری تقسیم کار دورکیم، به عملکرد مثبت جوامع ابتدایی و در اینجا روستاها و باورهای عامه آنها، در توسعه پایدار روستایی رسید.

تعارض منافع

تعارض منافی وجود ندارد.

سپاسگزاری

از عزیزی که در این پژوهش همراهی و همکاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

ORCID

Sahar Ghaffari

 <http://orcid.org/0009-0005-8349-4994>

Mehrdad Navabakhsh

 <http://orcid.org/0009-0000-2143-974x>

Faizollah Noroozi

 <http://orcid.org/0009-0001-0200-174x>

منابع

کتاب‌ها:

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحولات فرهنگی در جامعه پیشرفته فرهنگی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۷)، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- پیت، ریچارد؛ هارت ویک، الین. (۱۳۹۰)، نظریه‌های توسعه، ترجمه: رضا صفری شالی، مصطفی از کیا و اسماعیل رحمانپور، تهران: نشر لویه.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۲)، دین‌پژوهی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۷)، جامعه دهقانی ایران، تهران: نشر پیام.
- چیتامبار، جی بی. (۱۳۷۳)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی با تأکید بر جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه: احمد حجاران و مصطفی از کیا، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۲)، صور ابتدایی حیات مذهبی، ترجمه: نادر سالار زاده و خدامراد فولادی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ----- (۱۳۸۳)، صور بتیانی حیات دینی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- ----- درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز، چاپ ششم.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۸۷)، گرد شهر با چراغ، در مبانی انسان‌شناسی، تهران: انتشارات عطار، چاپ چهاردهم.
- ----- (۱۳۸۲)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات عطار، چاپ هفتم.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۰)، آیا کشاورزی ایرانی بدوی است؟، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۵.
- فریزر، جیمز جرج. شاخه زرین، پژوهشی در جادو و دین، ترجمه: کاظم فیروزمند، تهران: موسسه انتشارات آگاه، چاپ یازدهم.
- لمبتون، ان. (۱۳۴۵)، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ماسه، هانری. (۱۳۵۷)، *معتقدات و آداب ایرانی*، ترجمه: مهدی روشن ضمیر، جلد دوم، تبریز: انتشارات دانشگاه.

- مک مایکل، فیلیپ. (۱۳۹۷)، *توسعه و تغییر اجتماعی*، ترجمه: مهرداد نوابخش، وجهه معصوم و علی صمدی، تهران: جامعه پژوهان بُرنا، چاپ اول.

- نوابخش، مهرداد. (۱۴۰۰)، *نظریات توسعه و کارآفرینی اجتماعی*، تهران: جامعه پژوهان بُرنا، چاپ اول.

- ویر، ماکس. (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث، چاپ اول. هدایت، صادق، نیرنگستان.^۱

- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث، چاپ اول. - هزارجریبی، جعفر و قاسمی زارع، سمیرا. (۱۳۹۵)، *کارآفرینی و تعاون*، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.

- ی.سو، آلوین. (۱۳۹۴)، *تغییر اجتماعی و توسعه*، ترجمه: محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ نهم.

مقالات:

- امیرپناهی، محمد، طالب، مهدی و میرزایی، حسین. (۱۳۹۴)، «بازار مرزی و مناطق روستایی: بررسی نقش و جایگاه روستاییان در بازار مرزی شهرستان بانه»، پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۳.

- سام آرام، عزت‌الله. (۱۳۹۲)، «بررسی کاربرد نظریه‌های مددکاری اجتماعی و بومی‌سازی آنها»، ویژه‌نامه اولین همایش علمی رفاه اجتماعی ایران.

- جمعه پور، محمود. (۱۳۹۳)، «بومی‌سازی در عرصه توسعه روستایی و نقش دانش بومی در فرایند آن»، نشریه دانش‌های بومی ایران، شماره ۲، دوره ۱.

- خاکپور، براتعلی، مافی، عزت‌الله و باوان پوری، علیرضا. (۱۳۸۸). «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای»، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۲.

۱. ناخوانا بودن انتشارات و سال چاپ کتاب مذکور.

تبیین تأثیر باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی، غفاری و همکاران | ۳۹۵

- ذوالفقاری، حسن، «متن شناسی عقایدالنساء یا کلثوم ننه آقا جمال خوانساری»، متن پژوهی ادبی، شماره ۵۹: ۲۶-۲۷.

- ربیعی، کامران. (۱۳۹۴). «توسعه اجتماعی - اقتصادی و تأثیر آن بر تلقی افراد از چیستی خرافات مطالعه موردی شهرستان‌های استان اصفهان»، شماره ۴: ۱۲۹-۱۴۸.

- سفیدگر شهانقی، حمید. (۱۳۸۶)، «توسعه فرهنگی در باورهای عامیانه مردم آذربایجان»، نجوای فرهنگ، شماره ۴.

- شجاعی، جواد. (۱۳۸۸)، «تقدیرگرایی عامیانه، ریشه‌ها و پیامدها»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۳۰: ۱۸۱-۱۵۳.

- فروغی، علی و عسگری مقدم، رضا. (۱۳۸۸)، «بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی»، نشریه علوم سیاسی «راهبرد»، شماره ۵۳: ۱۹۲-۱۶۱.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۰)، «آیا کشاورزی ایران بدوی است؟»، نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۵، دوره ۹: ۲۵۶-۲۲۳.

----- (۱۳۷۲)، «بهنه شناسی: پیشینه پژوهش و نقد آرا در چگونگی پیدایش بنه»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳، دوره ۲.

- فعلی، سعید؛ صدیقی، حسن؛ پزشکی راد، غلامرضا و میرزایی، آرزو. (۱۳۸۹)، «چالش‌های جوامع روستایی ایران برای دستیابی به توسعه پایدار»، نشریه روستا و توسعه، شماره ۴، دوره ۱۳: ۹۷-۱۲۸.

- مسعودی، فریبا و یکتایی، محمود. (۱۳۹۸)، «تقابل عقلانیت و خرافه گرایی در مسیر توسعه یافتگی با تأکید بر ایران دوره قاجار»، نشریه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، دوره ۸، شماره ۳۰: ۲۶۵-۲۹۷.

- Herman, Emila. (2012). "Rural employment in the context of Romanian regional development", *Annals of the Constantin Brancusi University of Targu Jiu, Economy Series*, Issue 3: 131-140.
- Tudor, Monica. (2012). *Rural Human Capital In Romania-Evolutions In Transition*. Institute of Agricultural Economics, Romanian Academy, Bucharest, Issue 2: 211-232.

- Borec, Andreja, and Turk, Jernej. (2009). "Sustainable Rural Development – *Eu Agriculture Perspective*", *Revija za geografijo - Journal for Geography*, Vol. 4, No. 1: 37-52.
- Chinchanchokchai, Sydney, Siwarit Pongsakornrunsilp, And Theeranuch Pusaksrikit. (2017). "Exploring Different Types of Superstitious Beliefs in Risk-Taking Behaviors", *Social Marketing Quarterly*.
- Chigbu, Uchendu Eugene. (2012). "Village Renewal as an Instrument of Rural Development: Evidence from Weyarn, Germany", *Community Development*, No 43: 209-224.
- Herrmann, S. and Osinski, E, (1999), "Planning sustainable land use model in rural areas at different spatial levels using GIS and modeling tools", *Landscape and Urban Planning* 46, Issues 1-3: 93-101.
- Mary, Douglas, Barrie & Rockliff. (1970). *Natural Symbols: Exploration in Cosmology*, London.
- Matthews, K.B., Sibbald, A.R., and Craw, S. (1999). "Optimization algorithm, Computers and Electronics in Agriculture", No 23: 9-26.
- Peltzer, Karl and Renner, Walter. (2001). *Superstition, Risk-taking and Risk perception of accidents among south African taxi drivers*.
- Rodrigue, Jean-Paul. (2009). *Sustainable Development, Dept. of Global Studies & Geography*, Hofstra University.
- Wackernagel, Mathis and Yount, J.D. (2000). *Footprints for Sustainability*, Vol. 2, No. 1: 23-44.
- Ward, N., Brown, David L. (2009). *Placing the Rural in Regional Development*, *Regional Studies*, NO 43; 1237–1244.

استناد به این مقاله: غفاری، سحر؛ نوایخش، مهرداد و نوروزی، فیض‌الله. (۱۴۰۳). تبیین تاثیر باورهای عامه بر توسعه پایدار روستایی، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۵(۵۹)، ۳۹۶-۳۵۱.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.